

بررسی تطبیقی رویکرد قرآنیان افراطی معاصر به سنت در ایران و شبه‌قاره هند

کرامت راضیه ملک‌سنو^۱

چکیده

گسترش شاخه افراطی قرآنیان در دوره معاصر و اقدامات ایشان، موجب نگرانی صاحبان قلم و اندیشه شده است. بررسی تطبیقی این جریان در ایران و شبه‌قاره هند، با محوریت زمینه پیدایش، مبانی و آسیب‌ها می‌تواند وضعیت آن را در ایران روشن‌تر کند. زمینه پیدایش جریان قرآنیان افراطی در ایران تقلیدی و تحت تأثیر سایر کشورها، به‌ویژه هند است. مبانی مخالفت با سنت و نیز آسیب‌های این جریان در ایران و شبه‌قاره، وجه مشترک و اختصاصی دارند. دلایل مخالفت با احادیث و روایات یا انکار و بی‌توجهی به سنت در ایران و شبه‌قاره متعدد است. بررسی‌ها نشان می‌دهد در بسیاری موارد، مانند نقد سندی سنت و دسترسی نداشتن به سنت معتبر، کفایت قرآن، توجه به اتحاد مسلمین و مفهوم متفاوت سنت، دارای مبانی مشترک هستند؛ اما برخی مبانی، منحصراً از سوی قرآنیان شبه‌قاره مطرح شده است؛ مانند وحیانی نبودن سنت، شرعی نبودن سنت، مانع بودن سنت از پیشرفت. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی تحلیلی نگاشته شده و اطلاعات آن با روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

واژگان کلیدی: قرآنیان افراطی، سنت، ایران، شبه‌قاره هند.

۱. دکترای قرآن و علوم، گرایش علوم تربیتی؛ عضو گروه علمی رشته اخلاق و تربیت و رشته تخصصی تبلیغ

حوزه علمی خراسان، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)، raziye_malek@miu.ac.ir

یکی از جریان‌هایی که در حوزه تفسیر قرآن در دهه‌های اخیر اهمیت جدی یافته، گسترش چشمگیری در برخی کشورها داشته است، جریان قرآنیان است. قرآنیان جریانی اسلامی است که قرآن را به عنوان اصلی‌ترین یا حتی یگانه منبع برای تفسیر می‌شمارد. این جریان در دوره معاصر، شکل افراطی به خود گرفته است. شاخه افراطی با آسیمی مبنایی و مهم در حال گسترش است که از ادعای بی‌نیازی به سنت تا نفی کلی سنت و اعتبار آن در تفسیر متغیر است. تفاوت این جریان با جریان اعتدالی این است که ویژگی جریان اعتدالی «قرآن‌محوری» و ویژگی جریان افراطی «قرآن‌بستگی» است.

ایران و شبه‌قاره هند از جمله سرزمین‌هایی هستند که این جریان در آنجا رشد چشمگیری داشته است. این پژوهش بر آن است ضمن تمرکز بر شاخه افراطی قرآنیان، مبنای این جریان در شبه‌قاره هند و ایران را مقایسه کند و نقاط اشتراک و افتراق دیدگاه منفی اصحاب آن درباره سنت را استخراج کند.

با نفی نقش سنت در جریان افراطی قرآنیان، به نظر می‌رسد توسعه و پیشرفت این جریان، خطر جدی کنار گذاشتن سنت و حذف آن از منابع اسلامی را در پی داشته باشد. برخی از طرفداران این جریان، به ناروا بودن مراجعه به سنت، استقلال نداشتن یا حجیت نداشتن آن استناد کرده‌اند. بیم آن می‌رود که با گذشت زمان، گسترش و تزریق این مبنای به افکار عمومی و به‌ویژه جامعه دانشگاهی، زمینه‌ساز پیدایش جریان‌های نو و آسیب‌هایی بر بنیان اسلام شود.

اگرچه شبه‌قاره هند خاستگاه جریان قرآن‌گرایی افراطی است، ظهور و بروز آن در ایران و مقایسه مبنای آن در این دو منطقه و نیز بررسی میزان تأثیرگذاری هریک بر دیگری، می‌تواند ضمن

افزایش دانش در زمینه این جریان، تا حدودی پیشرفت آن در این کشورها را بررسی کرده، تحلیلی از وضعیت آینده آن ارائه دهد.

بررسی منابع مختلف نشان می‌دهد که تاکنون مقایسه‌ای درخصوص مبانی و نظریات افراطی‌ها در ایران و شبه‌قاره هند انجام نشده است. همچنین بحث نفی سنت به‌طور خاص در این جریان مغفول مانده است. این امر ضرورت پژوهش حاضر را دوچندان می‌کند. به نظر می‌رسد کتاب القرآن‌یون و شیهاتهم حول السنة مأخذی مناسب برای شناخت دیدگاه اصحاب جریان قرآن‌گرایی افراطی در شبه‌قاره هند باشد؛ چنان‌که محمد اسعدی در آثار خود مانند جریان‌شناسی تفسیر قرآن‌گرا و آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری اشارات زیادی به آن منبع داشته کرده است. همچنین محمدابراهیم روشن‌ضمیر در کتابی با عنوان جریان‌شناسی قرآن‌بستگی اشخاص بسیاری در این جریان را معرفی و همچنین به منبع یادشده استناد کرده است. آثار ارزشمند این دو پژوهشگر اطلاعات فراوانی را درباره جریان قرآنیان در اختیار مخاطب گذاشته است؛ اما در این پژوهش‌ها وضعیت این جریان در ایران و هند با یکدیگر مقایسه نشده است. همچنین به گوشه‌ای از آسیب‌های این جریان اشاره شده است.

بررسی مقالات حاکی از تلاش‌هایی در جهت نقد این جریان و معرفی برخی شخصیت‌های آن در ایران است؛ مانند «نقد به روش قرآنیون» اثر سیدرضا مؤدب، «نقد مدعای قرآنیون مبنی بر وحیانی نبودن سنت نبوی ﷺ» اثر مجید معارف، «نگاهی تفسیری به روش ابوالفضل برقعی» و... در مجموع، آثار موجود نشان می‌دهد برخی از این تلاش‌ها کامل نبوده یا برخی از برداشت‌ها و اظهارات این نویسندگان، با محتوای کلام و آثار قرآنیان مطابقت ندارد.

مقاله حاضر قصد دارد به این سؤالات پاسخ دهد:

۱. زمینه پیدایش جریان افراطی قرآنیان در ایران و هند چگونه بوده، چه تفاوتی با هم دارند؟

۲. ارتباط جریان مذکور با جریان روایتگری یا اخباری‌گری چیست؟

۳. مبانی مخالفت با احادیث و روایات در ایران و شبه‌قاره هند چه بوده‌اند؟

۴. آسیب‌های فعلی این جریان در دو منطقه چه بوده، در آینده چه آسیب‌هایی پیش‌بینی می‌شود؟

روش این پژوهش توصیفی تحلیلی و روش جمع‌آوری مطالب کتابخانه‌ای است.

نگارنده بر این باور است برای کشف دیدگاه قرآنیان در ایران و تفاوت نگاه به سنت در این دو منطقه، مطالعه و مراجعه به آثار اصحاب این جریان بسیار ضروری است. نوشته حاضر ضمن اشاره به اقوال اصحاب این جریان سعی در مستندسازی و رفع ابهام از دیدگاه قرآنیان افراطی داشته، با ارائه جدول نظرات، قضاوت درباره نقاط اشتراک و افتراق دیدگاه قرآنیان افراطی را آسان‌تر کرده است.

۱. زمینه پیدایش جریان افراطی قرآنیان در شبه‌قاره و ایران

جریان افراطی قرآنیان در بستر تحولات سیاسی، اجتماعی و فکری جهان اسلام پدید آمد و متأثر از شرایط خاص تاریخی هر منطقه شکل گرفت. بررسی زمینه‌های پیدایش این جریان در شبه‌قاره هند و ایران، نقش استعمار، اصلاح‌طلبی دینی و واکنش به سنت حدیثی را در تکوین آن آشکار می‌سازد.

۱.۱. شبه‌قاره هند

اشغال از سوی انگلیسی‌ها زمینه پیدایش جنبش‌های گوناگون مذهبی را فراهم کرد و برداشت‌های خاص از دین و شریعت آغاز شد. تشکیل جماعت «اهل القرآن» نتیجه حرکت فکری شخصیت‌هایی چون سیداحمدخان در آغاز قرن بیستم بود که فقط قرآن را منبع شریعت می‌دانستند.

مؤسس حرکت «اهل القرآن» غلام نبی معروف به جکوالوی بود و محب الحق عظیم آبادی در شرق هند هم‌زمان وی را در این جریان یاری می‌کرد (نک: اسعدی، ۱۳۹۷: ۴۴ تا ۶۰).

در ادامه این جریان، فرقه امت مسلم از بقایای فرقه غلام نبی به حساب می‌آید که ازسوی شاگردان وی بنا شد. این فرقه در بیشتر شهرهای پاکستان شعبه دارد و مرکز اصلی آن لاهور است. فرقه‌هایی با دیدگاه مشابه مانند امت مسلمه، طلوع اسلام و حرکت تعمیر انسانیت هم‌اکنون در پاکستان فعال‌اند (الهی‌بخش، ۱۴۲۱: ۶۰ تا ۶۴).

۲.۱. ایران

در مجموعه سال‌هایی که ایران تحت سیطره دولت پهلوی بود، چندین نفر با گرایش فکری خاص و با تأکید بر اصلاح‌گرایی در دین و مذهب، در صحنه فکری ایران ظهور کردند. بسیاری از این افراد روحانی‌هایی بودند که به‌مرور تحت تأثیر فرهنگ تجددخواهی روزگار مشروطه قرار گرفته، بعد از آن به جرگه اصلاح‌طلبان تجدیدنظرطلب پیوستند. قرآن‌گرایی یکی از ارکان ادعای آنان بود و در عوض به حدیث بی‌اعتنا بودند (جعفریان، ۱۳۸۹: ۱۰۱۲ و ۱۰۱۵).

رویکرد افراطی قرآن‌گرایی با انگیزه‌ها و آثار ویژه درخور توجه است. به نظر می‌رسد با حضور و نقش‌آفرینی برخی عالمان دینی از جمله سید جمال الدین اسدآبادی (هم‌عصر با سیداحمدخان در هند) و پس از او شخصیت‌هایی مانند خرقانی، سنگلجی و... ادامه یافته است.

مقایسه زمان پیدایش این جریان در ایران و شبه‌قاره حاکی از آن است که خاستگاه اولیه و شکل‌گیری منسجم و سامان‌یافته آن در کشورهای غیر از ایران همچون هند، مصر، سوریه، لیبی و سودان بوده است.

۲. ارتباط جریان قرآنیان افراطی شبه‌قاره و ایران با جریان روایتگری

در قرن اول و دوم هجری، به دلیل فاصله گرفتن از فضای نزول قرآن، گسترش جامعه اسلامی و فتوحات و پرسش‌های جدید، رویکرد غالب در تفسیرنگاری رویکرد روایی بوده است. آیت‌الله معرفت سه قرن نخستین را روایت‌بستگی می‌داند (معرفت، ۱۴۱۸: ج ۲، ۱۱).

در قرن هفتم و هشتم با حضور اندیشه روایتگری تحت‌عنوان اخباری‌گری، تفاسیر تأثیر می‌پذیرند (اسعدی، ۱۳۸۹: ۱۲۹).

جریان روایتگری باورهای مانند انکار محوریت و مرجعیت قرآن به دلیل اختصاصی بودن خطاب قرآن، پیچیدگی و تشابه زبان قرآن و ظنی و نامعتبر دانستن دلالت قرآن دارد. همچنین در حوزه حدیثی تساهل در اعتبار احادیث، بی‌توجهی به اسناد و دلالات احادیث، تطبیق غیردقیق روایات بر آیات و سطحی‌نگری در گزینش احادیث تفسیری از جمله اعتقادات این جریان است (اسعدی، ۱۳۸۹: ۱۲۱).

جریان روایتگری روایات تفسیری را یگانه‌راه ارتباط با مدلول‌ها و معارف قرآنی برمی‌شمارد و به بررسی سندی و دلالتی احادیث اهمیت چندانی نمی‌دهد.

با توضیح فوق، پیدایش جریان قرآنیان افراطی و توسعه این تفکر امری پیش‌بینی‌پذیر بوده است.

برخی ادعا کرده‌اند که پیدایش جریان قرآنیان افراطی در عملکرد و شدت جریان روایتگری و تداوم مخالفت با این جریان ریشه دارد:

«جریان تفسیری قرآن‌گرا می‌تواند واکنشی به رویکرد روایت‌گرا باشد. به‌طور خاص در حوزه شیعی مفسرانی چون شیخ طوسی و طبرسی تفسیر خود را با نقد روایتگران و ضرورت اذعان به

فهم‌پذیری دلالت‌های قرآنی آغاز کرده‌اند. در دو قرن اخیر نیز پیروان قرآن‌گروی در تفسیر رویکرد خود را با نقد جدی رویکرد روایت‌گرا و بیان نقدهای آن توجیه کرده‌اند. (اسعدی، ۱۳۹۷: ۳۶).

۳. چرایی نفی سنت در تفسیر قرآن کریم در دیدگاه قرآنیان افراطی ایران و شبه‌قاره

در این بخش تبیین می‌شود که چرا در بستر تحولات فکری و اجتماعی شبه‌قاره و ایران، رویکردی شکل گرفت که با نفی سنت و حدیث، قرآن را به‌تنهایی منبع فهم دین دانست و به جریان افراطی قرآنیان انجامید.

۱.۳. نگاه متفاوت به مفهوم سنت

از دیرباز سنت به‌عنوان یکی از مصادر مهم و منابع اصلی شیعه و سنی شناخته شده است. در نظر اندیشمندان و صاحب‌نظران اسلامی برای استنباط احکام شرعی یا حل شبهات اعتقادی نیاز به سنت بوده، اهمیت آن غالباً امری پذیرفته‌شده بوده است. در مقوله‌ای مانند تفسیر قرآن کریم یکی از دلایل بی‌توجهی به سنت نگاه متفاوتی است که برخی قرآنیان افراطی به مفهوم سنت یا گستره آن دارند.

در میان قرآنیان شبه‌قاره برخی^۱ سنت را به‌شورا معنا کرده‌اند و معتقدند مجلس شورا برای رفع این نیازهای مردم می‌تواند احکامی را جعل کند و معنای احادیث نبوی ﷺ برای سنت مربوط به قدیم بوده و امروزه نمی‌توان با آن مفهوم کاری از پیش برد.

۱. غلام احمد پرویز: «اعلم أن طاعة الرسول كانت طاعة مقيدة بزمنه و امثال أحكام لا تتجاوز حياته و قد أوصد

هذا الباب منذ وفاته عليه الصلاة والسلام.»

تاجایی که تصریح کرده‌اند که اطاعت از پیامبر ﷺ منحصر به زمان ایشان بوده، پس از وفات ایشان این باب بسته شده است.

نگاه متفاوت و منفی به مفهوم سنت به این شدت در دیدگاه قرآنیان ایران مشهود نیست؛ بلکه افرادی مانند خرقانی (خرقانی، ۱۳۳۹: ۱۳) در گستره سنت دیدگاه متفاوتی داشته، فقط به بخشی از سنت که مورد اتفاق همه فرق اسلامی باشد توجه کرده‌اند.

۲.۳. وحيانی نبودن احادیث

قرآنیان افراطی شبه‌قاره وحيانی نبودن سنت را دلیلی برای نقد و نپذیرفتن سنت در تفسیر قرآن کریم برشمرده‌اند.

جکرا لوی معتقد است ما فقط مأمور به پیروی از وحی هستیم و بالفرض هم اگر انتساب قطعی برخی احادیث به پیامبر ﷺ را بپذیریم، پیروی از آن واجب نیست؛ چون احادیث وحی نازل‌شده از سوی خداوند ﷻ نیستند (الهی‌بخش، ۱۴۲۱: ۲۱۴).

در میان دیدگاه قرآنیان شیعه چنین دیدگاه سلبی و فروکاستی درباره سنت و احادیث نبوی ﷺ وجود ندارد؛ بلکه همه آن‌ها وحيانی بودن احادیث را قبول داشته، جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برای آن قائل‌اند؛ اگرچه این نقش در تفسیر قرآن کریم کم‌رنگ باشد.

۳.۳. نقد سندی سنت و وجود احادیث جعلی (دسترسی نداشتن به سنت معتبر)

یکی از نقاط مشترک دیدگاه قرآنیان شبه‌قاره هند نگاه منفی سندی به احادیث است؛ تاجایی که برخی دیدگاه‌ها سنت موجود را ازاساس جعلی دانسته؛ البته برخی نگاه ملایم‌تری

داشته‌اند. سرسید احمدخان^۱ (الهی بخش، ۱۴۲۱: ۱۰۴) و چراغعلی^۲ (الهی بخش، ۱۴۲۱: ۱۰۶) و جکراولی (الهی بخش، ۱۴۲۱: ۲۴۳ و ۲۴۴) از جمله کسانی هستند که معتقدند بعد از حضرت رسول ﷺ دیگر نمی‌توان به احادیث اعتمادی کرد و اکثر روایات اوهام و پرداخته دیگران یا دخالت عواملی مانند احساسات و گرایش‌های درونی^۳ یا حاصل دروغ‌گویی^۴ یا فراموشی^۵ راویان حدیث است.

این رویکرد افراطی تا جایی پیش رفته که ازسوی این گروه تمسک به احادیث شرک دانسته شده است.^۶

۱. «بعد وفاة الرسول ﷺ ظلت الروایات تتناقل على الألسنة إلى عهد التصنيف في الكتب المعتمدة غير أننا لانستطيع أن نغض الطرف عن الهيئة التي دونت بها كتب الأحادیث تلك التي كان منها روايات الذاكرة [...] بينما البعد الزمن كفيل بمزج الزائد بها وإضافة الجديد إليها.» احمدخان از جمله شخصیت‌هایی است که در رأس جریان افراطی قرآن‌گرا محسوب می‌شود. وی نقش سایر منابع دین و شریعت را کم‌رنگ و برای قبول روایات شریاطی را مطرح کرد که نشان از بی‌اعتباری احادیث نزد اوست؛ از جمله: ۱. حدیث یقیناً از معصوم ﷺ صادر شده باشد؛ ۲. شهادتی باشد که عین کلمات حدیث را سخن پیامبر شمرد؛ ۳. کلمات روایت قابل حمل بر هیچ معنای دیگری نباشد. (الهی بخش، ۱۴۲۱: ۱۰۰ تا ۱۰۶).

۲. «أن الروایات لم یصح منها الا القلیل بل جلها فرضیات و أوهام للعلماء أو دنها دلائل قیاسية و إجماعية.»

۳. حافظ اسلم: «احساسات بشری در تصحیح و تضعیف سنت دست داشته است و ما می‌بینیم که ثقه شمردن راویان منحصر در راست‌گو بودن آن‌ها نیست؛ بلکه به عواملی مانند شاگرد و استاد بودن، برخورداری از اندیشه و احساسات درونی کشیده شده است.» (الهی بخش، ۱۴۲۱: ۲۴۴؛ به نقل از مقام حدیث، ۱۲۵).

۴. «لیس فی وسع المرء أن یطلع على الحقیقه الرواة الحدیث صدقا و کذبا لأنهما من الامور الباطنية التي لا یطلع علیها الا العلیم بذات الصدور.»

۵. «لم تدون السنة أيام حياته عليه الصلاة والسلام و تناقلت سماعا الى القرن الثالث الهجرى وإذا كان سامعوننا لا یستطیعون ذکر ما تحدثنا عنه فی خطبة الجمعة الماضية فكيف بسماع مائه سنة و صحة بیانه.»

۶. «الحض على الاقوال الرسل و افعالهم و تقریراتهم مع وجود کتاب الله علة قديمة قدم الزمن و قد برأ الله رسله و انبیائه من هذه الاحادیث بل جعل تلك الاحادیث کفرا و شرکا.» (الهی بخش، ۱۴۲۱: ۲۱۹).

در میان قرآنیان افراطی ایران بر قعی کتبی مانند کافی را مملو از مطالب ضد قرآن و عقل و پرداخته دشمنان معرفی کرده است (بر قعی، ۱۳۸۷: ۲۵۰).

همچنین طباطبایی اخبار و احادیث موجود را غالباً بی اعتبار و ضعیف و پرداخته غالیان شمرده است (طباطبایی، بی تا: ۱۹). عبدالوهاب فرید تنکابنی نیز بسیاری از احادیث اعتقادی را جعلی می داند؛ تاجایی که یک هزارم آن در احکام جعل نشده است (تنکابنی، بی تا: ۶۸). توجه به نوشته جان علی اکبر حکمی زاده نیز وی را از این دیدگاه مستثنا نمی کند (نک: حکمی زاده، ۱۳۲۲: ۵۵).

۴.۳. شرعی و دینی نبودن احادیث

برخی اظهارات و نوشته های قرآنیان شبه قاره حاکی از آن است که احادیث از دایره دین خارج هستند. وحیانی نبودن احادیث یا وجود احادیث جعلی در میان روایات یا برداشت متفاوت از مفهوم سنت به طور کلی سنت را نفی نمی کرد؛ اما تصریح برخی قرآنیان به نبود احادیث در دین خداوند^۱ و حتی رد کتبی مانند صحاح^۲ شدت افراط آن ها در تمسک به قرآن و نفی کلی احادیث را نشان می دهد.

۱. غلام پرویز: «اگر سنت جزئی از دین بود، پیامبر برای نگارش و حفظ آن شیوه ای مانند قرآن وضع می کرد [...]؛ در حالی که چنین کاری نکرد؛ بلکه از کتابت آن نهی کرد.» «لو كانت السنة جزءا من الدين لوضع لها الرسول منها كما وضع القرآن من الكتابة والحفظ [...] و لم يفعل شيئا لسنة بل نهى عن كتابتها لا تكتبوا عني غير القرآن.» (الهی بخش، ۱۴۲۱: ۲۲۴). نویسنده بلاغ الحق: «از بیان آشکار احادیث بر منبرها پرهیزید و اگر از بیان احادیث خودداری نکنید، چیزهایی که از دین خداوند^۳ نیست وارد دین خداوند^۴ خواهد شد.» «ایاکم و إعلان الأحادیث علی المنابر و إن أیتم ذلك فسیدخل إلی دین الله ما لیس منه.» (الهی بخش، ۱۴۲۱: ۲۱۹).

۲. غلام پرویز بر این باور است که مقدس انگاری کتب صحاح فراتر از تصورات بشری است و این بخشی از توطئه عجم ها برای نشانه قرار دادن اسلام و مسلمانان است. «قدفاق تقدیس هذه الكتب (الكتب السنة) کل التصورت البشرية مع أنها جزء من المؤامرة أعجمية استهدفت النيل من الاسلام وأهله.» (الهی بخش، ۱۴۲۱: ۲۳۸).

در میان قرآنیان شبه‌قاره، برخی معتقدند که اگر احادیث و روایات و سنت به‌طور کلی از دین محسوب می‌شدند، بایستی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روشی را برای جمع‌آوری و تدوین آن فراهم می‌کرد.^۱

این نگاه فرودستی به روایات تا جایی پیش رفته که دلیل انحراف و گمراهی امت‌های گذشته، توجه به روایات و تمسک به آن تلقی شده است.^۲

غلام پرویز، حافظ اسلم و رشاد خلیفه^۳ از شاخص‌ترین چهره‌هایی هستند که در ابراز چنین دیدگاهی سهم داشته‌اند.

آنان معتقدند که اگر احادیث و روایات نبود، اسلام این چنین از سوی دشمنان مورد انتقاد قرار نمی‌گرفت.^۴

۱. حافظ اسلم: «اگر احادیث برخوردار از ویژگی دینی بودند، پیامبر و صحابه به‌شدت از نگارش آن جلوگیری نمی‌کردند و شیوه‌هایی برای نگارش آن فراهم می‌کردند.» «أن الأحادیث لو كانت لها الصفة الدينية لما اشته نهي النبي و صحابته عن كتابتها.» (الهی بخش، ۱۴۲۱: ۲۳۸).

۲. همو.

۳. سنت چیز بیهوده‌ای است و تمسک به آن خطاست. خداوند تعالی به مؤمنان دستور داده است که چیزی جز آنچه در قرآن بیان شده از پیامبر صلی الله علیه و آله نگیرند (رشاد خلیفه، القرآن و الحديث و الاسلام؛ به نقل از عبد اللطیف، عبدالموجود محمد، السنة النبوية بين دعاة الفتنة و ادعیائ العلم، ۱۴۱۱: ج ۲، ۸۹).

۴. حافظ اسلم: «احادیث چنان مورد انتقاد علمی قرار گرفته‌اند که صفت دینی بودن از آنان گرفته شده است؛ چون امور دینی جای نقد و آرای اشخاص نیست. [...] اشکالاتی که بر اسلام از جانب غیر مسلمانان وارد شده، به دلیل احادیثی است که مسلمانان آن را صحیح می‌دانند؛ درحالی که ساختگی‌اند و ارتباطی به دین ندارند.» «إن الأحادیث قد انتقدت علمياً ما أفقدها صفة الدين لأن الأمور الدينية لا يدخلها النقد و آراء الرجال [...] الاعتراضات الموجهة للإسلام من غير اهله لا تأتي الا عن طريق الأحادیث التي أقر المسلمون بصحتها و هي موضوعة الاصل لاصلة لها بالدين.» (الهی بخش، ۱۴۲۱: ۲۳۳).

مطالعه آثار و دیدگاه‌های قرآنیان افراطی ایران نشان می‌دهد که این نگاه هرگز در میان آنها جایگاهی نداشته است و آنها نگاه متعادل‌تری به روایات و احادیث و سنت داشته‌اند؛ بنابراین این مورد در میان ایرانیان قائلی ندارد.

۵.۳. کفایت قرآن و بی‌نیازی از سنت

یکی از دلایلی که از سوی قرآنیان برای بی‌توجهی به احادیث ذکر شده است، کافی بودن قرآن به عنوان یک منبع غنی و سرشار از اطلاعات است. چراغعلی (الهی‌بخش، ۱۴۲۱: ۱۰۶) قرآن را از همه وجوه کامل و کافی می‌داند و جکرالوی (الهی‌بخش، ۱۴۲۱: ۲۱۰) معتقد است تمامی احتیاجات بشری به طور مفصل و مشروح در قرآن ذکر شده است.

این دیدگاه در میان قرآنیان ایرانی بسیار پرطرفدار است و بیشترین قائلان آن را ایرانیان تشکیل داده‌اند.

برقعی^۱ چنین القا کرده است که «رجوع به کلام نبی ﷺ برای بیان قرآن نوعی بی‌توجهی به خداوند ﷻ یا رفع نواقص قرآن است (رحیمیان، ۱۳۹۷: ۲۱) و راه نجات از خرافات و اخبار جعلی را توجه به قرآن کریم می‌داند.» (برقعی، ۱۳۸۸: ۱۰۰۶).

خرقانی^۲، سیدصادق تقوی^۳، سیدمصطفی طباطبایی^۴، قلمداران^۵ به کفایت قرآن و بی‌نیازی به احادیث و روایات تصریح کرده‌اند.

۱. برقعی از شاخص‌ترین و تندروترین افراد جریان قرآنی است. او پس از تغییر عقیده آثاری را در جهت دفاع از اندیشه قرآنیان افراطی به جا گذاشته است. وی به دلیل گرایش‌های متجددانه که از خود بروز داد، مورد اعتراض علما و طلاب قم قرار گرفت و با مشورت امام خمینی رحمه الله به یزد تبعید شد (جعفریان، ۱۳۸۹: ۱۰۳۵).

۲. سیداسدالله میراسلامی، معروف به خرقانی یا خارقانی، هم‌عصر با سیدجمال‌الدین اسدآبادی بوده، چندین ملاقات با وی داشته است (جعفریان، ۱۳۸۲: ۲۴). برخی او را اولین کسی معرفی کرده‌اند که شکل‌گیری جریان

این درحالی است که برخی از قرآنیان ایرانی نگاه منعطف‌تری به روایات داشته، توجه به آن را در مواردی لازم می‌دانند.

یوسف شعار^۱، ضمن انتقاد به تفسیر قرآن کریم و اعتماد به اخبار و شأن نزول آیات^۲، به صراحت اظهار می‌دارد که منظور از توجه و تمرکز بر روی قرآن کریم، رجوع نکردن به روایات

قرآنیان را در ایران رقم زد (تصدیقی، ۱۳۹۳: ۳). خرقانی معتقد است هرچه غیر قرآن است باید مسکوت گذاشت تا عقاید را از قرآن آموخت. می‌توان گفت: او به صراحت نقش سنت را در تفسیر قرآن کریم نفی نکرده؛ بلکه برای حل مشکلات، مسکوت ماندن احادیث را پیشنهاد داده است. (خرقانی، سیداسدالله، رساله در متشابهات قرآن، ۱۳۵۳ق: ۳۲) (این رساله در کتاب سیداسدالله خرقانی اثر رسول جعفریان و در صفحه ۱۱۴ نیز چاپ شده است).

۳. سیدصادق تقوی از کفایت قرآن در بیان معتقدات اسلامی یاد کرده و این استدلال را که به دلیل یاد نشدن جزئیات نماز در قرآن، اصرار دارند بگویند: «قرآن کافی نبوده و غیر قرآن به روایات هم احتیاج داریم» نادرست می‌داند (جعفریان، ۱۳۸۹: ۱۰۵۳).

۴. او معتقد است روش صحیح تفسیر قرآن، روش قرآن به قرآن و به دور از آفات سطحی‌نگری و روایت‌زدگی است (طباطبایی، بی‌تا: ۲۰). وی امامت را به عنوان یک اصل الهی نپذیرفته، تنها برآنچه به صراحت از قرآن می‌فهمد تکیه می‌زند (جعفریان، ۱۳۸۹: ۱۰۶۴). طباطبایی در مقدمه کتاب بازنگری در معانی قرآن، از میزایوسف شعار به عنوان مفسر بلندپایه قرآن یاد کرده، او را بزرگ می‌شمارد.

۵. حیدرعلی قلمداران با برقی و حسینی طباطبایی هم‌دوره بوده، ارتباط تنگاتنگی با ایشان داشته است. او فاقد هرگونه تحصیلات حوزوی بوده است (جعفریان، ۱۳۸۹: ۱۰۴۴). عقاید قلمداران مبنی بر شرک بودن اکثر شعائر دین از قبیل تعمیر مقابر و تعظیم مشاهد و عزاداری‌ها و نذر برای خداوند ﷻ و موقوفات و توسلات (نک: قلمداران، ۱۳۳۹: ۲۸۵) و نزدیکی وی با سایر قرآنیان مانند برقی می‌تواند حاکی از انحراف وی باشد. او معتقد است که «خداوند متعال قرآن را برای هدایت بشر فرستاده و چگونه می‌توان گفت کتابی که برای دستور زندگی بنی‌آدم تا انقراض عالم آمده قابل فهم نیست! باید به اشخاص معدودی که در برهه‌ای از زمان در محیطی مجهول بوده‌اند و با هزاران سال که از عمر عالم مانده احدی از آنها نیستند، باز هم باید به آنان مراجعه کرد و فهم آن را منحصر به ایشان دانست.» (قلمداران، ۱۳۳۹: ۱۸۵).

۱. اشعار، مراوده، مکاتبه و همکاری با شریعت سنگلجی، خالصی‌زاده و عسکری‌آبادی داشته است (مجلس تفسیر، ۱۳۵۱: ۱۲).

نیست؛ بلکه غرض این است که همواره باید قرآن نسبت به اخبار و تفاسیر اصل قرار گیرد (مجلس تفسیر، ۱۳۵۱: ۱۶).

شریعت سنگلجی^۱ نیز معتقد است:

«استقراى معتبر ثابت مى‌کند که بیشتر احکام وارده در کتاب خداوند ﷻ کلی است و باید این کلیات را مبثی باشد و آنچه مجملات کتاب خداوند ﷻ را بیان کند و شارح آن کلیات باشد، همانا سنت است. [...] ما در شریعت و احکام محتاج به سنت هستیم؛ اما در مسائل اعتقادی به هیچ وجه احتیاجی به سنت نداریم.» (سنگلجی، ۱۳۶۲: ۳۹).

۶.۳. سنت موجب تفرقه و از بین رفتن اتحاد

ازسوی برخی قرآنیان به‌ویژه شبه‌قاره هند، روایات و احادیث عاملی برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان برشمرده شده است. ایشان سنت را مانع اتحاد کشورهای اسلامی معرفی کرده‌اند.

ایشان بر این باورند که تا زمانی که به روایات و احادیث تمسک شود، مسلمانان در زیر یک پرچم گرد نخواهند آمد.^۲

۲. «اگر کسی بخواهد در میان قومی که با خود او هم‌زبان هستند، اظهار حرام و اجرای قانونی بکند، چرا باید گفته‌های خود را به‌طریقی بیان کند که همیشه محتاج به تفسیر و توضیح باشد؟ آیا این کار عبث و موجب انتقاد عقلا نیست؟» (شعار، ۱۳۸۰: ۵). به عبارت دیگر شعار معتقد است که اگر گوینده کلامش را به‌گونه‌ای بیان کند که نیاز به تفسیر داشته باشد، خلاف عقل است. از گفته‌های وی این است که «قرآن مجید مستقل بالفهم است و در تفسیر آیات به اخبار و شأن نزول‌ها نمی‌توان اعتماد کلی کرد.» (مجلس تفسیر، ۱۳۵۱: ۱۴).

۱. شریعت سنگلجی: او از کسانی است که در مجلس تفسیر خرقانی حاضر می‌شده و از منهج او تأثیر پذیرفته است (جعفریان، ۱۳۸۹: ۱۰۱۷). به نظر می‌رسد اثر درخور توجهی که روش تفسیری سنگلجی را به‌طور کامل نشان دهد، در دست نیست؛ اما برخی نویسندگان (اسعدی، ۱۳۹۷: ۵۹) با اشاره به آثار وی مانند توحید عبادت یا اسلام و رجعت او را متهم به کم‌توجهی به روایات کرده‌اند.

خرقانی تنها راه حل اختلاف میان امت اسلامی را رجوع به قرآن و فاصله گرفتن از روایات و احادیث می‌داند (جعفریان، ۱۳۸۲: ۱۱۴). برقعی (برقعی، بی تا: ۲۵ و ۷۰) و شعار (شعار، ۱۳۸۰: ۲۰۹ و ۳۴۰) معتقدند که سنت‌گرایی در فهم قرآن منجر به ناهمگونی و تهافت در فهم قرآن می‌شود.

۷.۳. سنت مانع پیشرفت

از تتبع در دیدگاه قرآنیان افراطی چنین برمی‌آید که برخی از آنان مانند چراغعلی به صراحت پیروی از سنت را مانع توسعه و پیشرفت می‌شمارد (الهی‌بخش، ۱۴۲۱: ۲۵).

(جدول مقایسه دیدگاه قرآنیان درباره نقش سنت در تفسیر قرآن کریم)

ایران	شبه‌قاره	دیدگاه‌ها درباره نفی نقش سنت	
	غلام پرویز	سنت به معنای مرکز ملیت و مجلس شورا	نگاه متفاوت به مفهوم سنت
خرقانی		سنت مورد اتفاق همه فرقه‌ها	
	جکرالوی	اختصاص سنت به زمان پیامبر ﷺ	

۲. جکرالوی بر این باور است که «تفرقه و پراکندگی از مسلمانان رفع نخواهد شد و آن‌ها زیر یک پرچم گرد نخواهند آمد و یک اندیشه آن‌ها را فرا نخواهد گرفت تا هنگامی که به روایات این و آن چنگ زده باشند». «لا ترتفع التفرقه و التشتت عن المسلمین و لن یجمعهم و لایضمهم مکتب فکر موحد مابقوا متمسکین بروایات زید و عمر». (الهی‌بخش، ۱۴۲۱: ۲۳۸). همچنین حشمت علی گفته است: «لن تتحقق وحدة مسلمین ما لم یتروکوا کتبه‌هم الموضوعه فی طاعة الرسول و لن یروا سبیل الرقی و التقدم ما لم یمح عنهم التشتت و الفرقة.»

عدم دستیابی به سنت معتبر		سرسید احمدخان، جکراوی، حافظ اسلم، حشمت علی	قلمداران، یوسف شعار، تنکابنی، برقی، حکمی زاده، حسینی طباطبایی
کفایت قرآن و بی نیازی از سنت		عبدالله، حافظ اسلم	برقی، شعار، سنگلجی، تقوی، طباطبایی، قلمداران، خرقانی
از بین رفتن اتحاد		جکراوی، حشمت علی، غلام پرویز	برقی، شعار، خرقانی
ناروایی مراجعه به سنت (حجت نبودن سنت)	انکار عصمت	چراغعلی، جکراوی	
	و حیانی نبودن سنت	جکراوی	
	شرک بودن مراجعه به سنت	خواجه احمدالدین	
	خطا و بیهوده بودن سنت و شرعی نبودن	رشاد خلیفه، غلام پرویز، حافظ اسلم، نویسنده بلاغ الحق	
سنت مانع پیشرفت		چراغعلی	

۴. آسیب‌شناسی جریان قرآنیان افراطی در ایران و شبه‌قاره هند

در اینجا آسیب‌های این جریان در دو حوزه مشترک و مختص ایران بررسی می‌شوند.

۱.۴. آسیب‌های احتمالی مشترک میان ایران و شبه‌قاره

در این بخش، پیامدها و آسیب‌های مشترکی بررسی می‌شوند که از نفی سنت در جریان افراطی قرآنیان در هر دو بستر ایران و شبه‌قاره پدید آمده و به انحراف در فهم شریعت، تفسیر قرآن و شکل‌گیری گرایش‌های خطرآفرین انجامیده است.

۱.۱.۴. رأی‌گروی در استخراج تفصیل شرعی از قرآن

جریان قرآنیان، از آنجا که نقش سنت را نادیده می‌گیرد، به ناچار به سمت رأی‌گروی پیش می‌رود. استناد به آیه «[...] وَ اَصْمُمُ إِلَيْكَ جَنَاحَكَ [...]» برای حکم تکتف می‌تواند نمونه‌ای از این آسیب باشد (اسعدی، ۱۳۸۹: ۴۰۰).

۲.۱.۴. تأویل‌گروی در فهم معارف قرآن

نکته درخور تأمل آن است که اصحاب این جریان براساس برخی مبانی و پشتوانه‌های ناستوار، در موارد زیادی دست از ظواهر معتبر قرآنی کشیده، به تأویل و توجیه رأی‌مدارانه و غیرمتکی به عقل برهانی روی آورده‌اند (اسعدی، ۱۳۸۹: ۴۰۳؛ نک: طیبی، ۱۳۹۴: ۱۵۶).

۳.۱.۴. بی‌اعتنایی به قواعد ادبیات عرب

شواهدی از تفاسیر رأی‌گرایانه قرآنیان افراطی نشان می‌دهد که ایشان برای تبیین مقاصد خود و اثبات کفایت قرآن و بی‌نیازی به احادیث و روایات، رعایت برخی قواعد ادبیات عرب را کنار گذاشته، آیات قرآن را مطابق با نظر خود شرح و بسط داده‌اند (نک: طیبی، ۱۳۹۴: ۱۵۶).

۴.۱.۴. فعالیت فرقه‌های خطرآفرین

ادامه فرقه اهل الذکر، امروزه با عنوان فرقه طلوع اسلام در پاکستان در حال فعالیت است که جنبشی فعال، قدرتمند و خطرناک است (ناصح، ۱۳۹۳: ۱۵۳).

۴.۲. آسیب‌های احتمالی خاص در ایران

این بخش به آسیب‌ها و پیامدهایی می‌پردازد که جریان افراطی قرآنیان به‌طور خاص در فضای فکری و مذهبی ایران ایجاد کرده و در پیوند با شرایط بومی به التقاط‌گرایی، هم‌سویی با جریان‌های بیرونی و واکنش‌های افراطی متقابل منجر شده است.

۴.۲.۱. التقاط‌گرایی نوظهور در پوشش قرآنی‌گرایی روشن‌فکرانه

در حاشیه جریان افراطی قرآنیان، رویکرد دیگری ازسوی برخی اصحاب جریان مدعی روشن‌فکری در ایران مطرح شده است. این‌ها با شعار اصلاح دین و همراه با نگرش جدید به قرآن بدون سنت و حدیث، راهی کاملاً بیگانه با آموزه‌های قرآنی و دینی برگزیده‌اند که به‌رغم داعیه قرآن‌گرایانه، بعد غالب آن را نگرشی التقاطی تشکیل می‌دهد که نیازمند بررسی مستقل است (اسعدی، ۱۳۹۷: ۶۴).

۴.۲.۲. نزدیکی دیدگاه قرآنیان افراطی ایرانی به فرقه وهابیت و

دفاع وهابیان از افراطی‌های ایرانی

جعفر رسولیان در شرح اعتقادات و ویژگی‌های قرآن‌گرایان افراطی، تأثیرپذیری ایشان از وهابیت را مطرح می‌کند. اگرچه اثبات این مطلب نیاز به تحقیق بیشتری دارد، دفاع فرقه وهابیت از این گروه جای تأمل دارد.

«عبدالرحیم ملازهی بلوچی در مقدمه ترجمه کتاب برقی در روایات کافی تحت عنوان کسرالضم با اشاره به جریانی که با خرقانی، شریعت سنگلجی، شعار، قلمداران و سیدمصطفی طباطبایی

ادامه می‌یابد، بر نقش اینان در تضعیف شیعه تأکید کرده و ضرورت حمایت از آنان را یادآور شده است.» (جعفریان، ۱۳۸۹: ۱۰۱۴؛ به نقل از کسرالضم، ۲۳).

ابوالفضل برقی در مرحله‌ای از زندگی پا را فراتر گذاشته و اصل تشیع را مورد انتقاد قرار داده و در اوج کار به وهابیت می‌رسد (جعفریان، ۱۳۸۹: ۱۰۴۹).

۳.۲.۴. برگشت مجدد و شدت گرفتن دوباره جریان روایتگری

همان‌طور که ذکر شد یکی از علل و زمینه‌های پیدایش دیدگاه افراطی قرآنیان توجه بیش از حد و افراطی به روایات است که زمینه را برای مخالفت و تلاش‌هایی برای مبارزه با حدیث کرد. حال که پس از گذشت سال‌ها از این جریان، جریان قرآنیان افراطی قد علم کرده و در برخی از شکل‌های آن به شدت سنت را سرکوب کرده است، برگشت دوباره جریان روایتگری و واکنش دفاعی در برابر قرآنیان افراطی پیش‌بینی‌پذیر است؛ همچنان که امروزه در گوشه‌وکنار برگزاری نشست‌ها و همایش‌هایی در بازگشت به کتب اصیل حدیثی و بزرگداشت حدیث‌نویسان و مؤلفان کتب حدیثی این ذهنیت را تقویت می‌کند.

نتیجه‌گیری

مقایسه زمینه پیدایش جریان قرآنیان افراطی در ایران و شبه‌قاره نشان می‌دهد که خاستگاه اولیه این جریان در ایران تقلیدی و تأثیری از سایر کشورها، به‌ویژه هند و دیدگاه احمدخان بوده است. برخی به‌صراحت، جریان تفسیری قرآن‌گرا را واکنشی به رویکرد روایت‌گرا دانسته‌اند؛ بنابراین، جریان افراطی قرآنیان می‌تواند از پیامدهای این جریان باشد.

مبانی مخالفت با احادیث و روایات یا انکار و بی‌توجهی به سنت در ایران و شبه‌قاره متعدد است. بررسی‌ها نشان می‌دهد در بسیاری موارد مانند نقد سندی سنت و دسترسی نداشتن به سنت معتبر، کفایت قرآن، توجه به اتحاد مسلمانان و مفهوم متفاوت سنت مبانی مشترک دارند؛ اما برخی

مبانی منحصر ازسوی قرآنیان شبه‌قاره مطرح شده است؛ مانند وحیانی نبودن سنت، شرعی نبودن سنت و مانع بودن سنت از پیشرفت.

در میان قرآنیان افراطی ایران، برقی، شعار و قلمداران نگاه منفی‌تری به سنت دارند و شخصیت‌هایی چون خرقانی و شریعت ظاهراً نقش سنت در احکام را پذیرفته‌اند.

برخی آسیب‌های جریان قرآنیان افراطی، مشترک میان ایران و شبه‌قاره است؛ مانند رأی‌گروی، تأویل‌گروی و بی‌اعتنایی به قواعد ادبیات عرب؛ اما برخی آسیب‌ها اختصاص به ایران دارد؛ مانند شکل‌گیری نگرش التقاطی، نزدیک شدن به فرقه‌هاییت و احتمال بازگشت مجدد جریان روایتگری.

فهرست منابع

۱۴۹

۱. اخوان مقدم، زهره و سیدمجید نبوی، ۱۳۹۶، «شخصیت‌شناسی و منبع‌شناسی قرآنیون»، مطالعات قرآن و حدیث (سفینه)، س ۱۵، ش ۵۷، ص ۱۳۵ تا ۱۵۷.
۲. اسعدی، محمد و دیگران، ۱۳۸۹، آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳. __، ۱۳۹۷، جریان‌شناسی تفسیر قرآن گرا، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴. اعظمی، محمدمصطفی، ۱۴۱۳، دراسات فی الحدیث النبوی، بیروت: المکتب الاسلامی.
۵. الهی‌بخش، خادم‌حسین، ۱۴۲۱، القرآن‌یون و شبهات‌هم حول السنة، طائف: مکتبة الاصدیق.
۶. بابائی، علی‌اکبر، ۱۳۸۱، مکاتب تفسیری، تهران: سمت.
۷. برقی، سیدابوالفضل، ۱۳۸۸، عرض اخبار اصول بر قرآن و عقول، بی‌جا: بی‌نا.
۸. __، بی‌تا، تابشی از قرآن، تهران: بی‌نا.
۹. تصدیقی شاه‌رضائی، علی و سیدرضا مودب، ۱۳۹۳، «نقد دیدگاه روش تفسیر قرآن به قرآن، قرآنیان شیعه»، پژوهش دینی، س ۷، ش ۱۳، ص ۵ تا ۲۶.
۱۰. جعفریان، رسول، ۱۳۸۲، سیداسدالله خرقانی: روحانی نوگرای روزگار مشروطه و رضاشاه، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۱. __، ۱۳۸۹، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی سیاسی ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۲. حسینی طباطبائی، مصطفی، بی‌تا، بررسی روایات ساختگی در کتب حدیث، بی‌جا: بی‌نا.
۱۳. __، بی‌تا، بازنگری در معانی قرآن، بی‌جا: بی‌نا، (دانلود نسخه اینترنتی از www.aqeedeh.com).
۱۴. حکمی‌زاده، علی‌اکبر، ۱۳۲۲، «اسرار هزارساله»، نشریه پرچم، س ۳، ش ۱۲، ص ۱ تا ۸۵.
۱۵. خرقانی، سیداسدالله، ۱۳۳۹، محو الموهوم و صحو المعلوم، تهران: بی‌نا.

۱۶. رحیمیان، علیرضا و سید عبدالحمید ابطحی، ۱۳۹۷، «نقد و بررسی ادله عقلی قرآنیون ایرانی در باب قرآن بسندگی»، سفینه، س ۱۶، ش ۵۸، ص ۱۰ تا ۵۷.
۱۷. روشن ضمیر، محمدابراهیم، ۱۳۹۰، جریان شناسی قرآن بسندگی، تهران: سخن.
۱۸. سبحانی، جعفر، ۱۳۷۱، تفسیر صحیح آیات مشکله، قم: موسسه امام صادق (ع).
۱۹. الشاعر، عمرو، ۲۰۰۹، القرآن یون مصلحون ام هادمون، الجیزة: مكتبة نافذة.
۲۰. شریعت سنگلجی، محمدحسن، ۱۳۶۲، کلید فهم قرآن، تهران: بی نا.
۲۱. شعار، یوسف، ۱۳۸۰، تفسیر آیات مشکله، تبریز: مجلس تبریز.
۲۲. طیبی، زینب و محمدعلی مهدوی راد، ۱۳۹۴، «آسیب های مبنایی و روشی قرآنیون در فهم و تفسیر قرآن»، پژوهش های قرآنی، س ۲۱، ش ۷۶، ص ۱۴۰ تا ۱۶۱.
۲۳. فرید تنکابنی، عبدالوهاب، بی تا، اسلام و رجعت، بی جا: بی نا.
۲۴. قلمداران، حیدرعلی، ۱۳۳۹، ارمغان آسمان، قم: چاپخانه قم.
۲۵. مجلس تفسیر تبریز، ۱۳۵۱، زندگی نامه علامه فقید؛ مفسر شهیر قرآن؛ حاج میرزایوسف شعار، تبریز: شفق.
۲۶. معرفت، محمدهادی، ۱۴۱۸، التفسیر و المفسرون فی ثوقه القشیش، مشهد: جامعة الرضویة لعلوم الاسلامیة.
۲۷. ناصح، علی احمد و نصرالله وفاء، ۱۳۹۳، «بررسی و نقد دیدگاه های قرآنی و حدیثی قرآنیون اهل سنت»، پژوهش نامه معارف قرآنی، س ۵، ش ۱۶، ص ۱۵۳ تا ۱۷۹.